

کرونا در کیش تمام نشده است

سعید پورعلی معاون فرهنگی و اجتماعی سازمان منطقه آزاد کیش

در این روزها در رسانه‌های ملی ومنطقه‌ای دوتیتر باهم گفت‌وگو داشتند.تیتراول «کیش، کرونا را مات کرد» و تیترا دوم «کیش، مات کرونا شد». برخی هم تیترا زدند «کیش جزیره عاری از کرونا». «کرونا در کیش، تمام شد» شکل افراطی تر تیترا در برخی از رسانه‌های برخط پرمراجعه بود. به باورمن همه این تیتراها احساسی وچنجالی بود. دکتر رضانیبا در مصاحبه با رسانه‌ها ضمن اعلام این خبر که بیماران بستری در بخش حاد تنفسی بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی کیش به صفر رسیده است، بدرستی تشریح کردند که این به معنای «مات کردن کرونا در کیش» و «مات شدن کیش از کرونا»، «تمام شدن کرونا در کیش» و «مات شدن کیش دربرابر کرونا» نیست. این مصاحبه مصادف شد با خبر دیدار دکتر مظفری رئیس هیأت مدیره ومديرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با دکتر جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری وارائه گزارش اقدام‌های شورای سلامت جزیره در مسیر مدیریت ومقابله با ویروس کرونا. در این دیدار شاهبیت سخن دکتر جهانگیری این بود که «کیش در مدیریت ومقابله با ویروس کرونا می‌تواند الگویی برای کشور باشد».کرونا در کیش تمام نشده است. انتقام‌در کمین است. «کیش، سرعت شیوع کرونا را کم» و«اندازه اپیدمی را کوچک» کرده است. در «منتحنی اپیدمی تأخیر» ایجاد کرده است. در جزیره «کرونا تمام نشده است». کیش، جزیره عاری از کرونا نیست. بین کنترل سرعت شیوع وتوچک کردن اندازه اپیدمی با تمام شدن کرونا فرسنگ‌ها فاصله است. بین این دو مفهوم اشتباه نکنیم.

سیاست شورای سلامت همچنان بیماریابی فعال، رهگیری وردیابی موارد در تماس با بیماران مثبت، قرنطینه افراد دارای ارتباط با بیمار کرونایی و درمان بیماران مثبت است. نباید توصیه سازمان بهداشت جهانی را فراموش کنیم: «بیماریابی فعال کنید. موارد در تماس با بیماران را رهگیری وردیابی کنید. قرنطینه کنید. درمان کنید. نگران این هستیم که با بیان این باور غلط مردم دچار رفتارهای پرخطر شوند. تلاش جدی خواهیم داشت تا مانع شکل گیری این احساس نادرست در فضای عمومی جزیره شویم که «کرونا تمام شده است». این باور، باور بسیار خطرناکی است. آسیب زاست. تغییر رفتار به نفع کشورش ویروس ایجاد می‌کند. نداشتن بیمارمثبت بستری در بیمارستان پیروسیاست انتقال بیمار خوش حال ا بیمارستان به نقاهتگاه برای ادامه درمان است. والیت« کنترل سرعت شیوع»، «کوچک کردن اندازه اپیدمی» و «ایجاد تأخیر در متحنی اپیدمی»، «دستاورد بزرگی» بود که با تلاش شبانه روزی وهوشمندانه پرسنل بهداشت ودرمان جزیره به‌دست آمد. همت بلند وستودنی مردان وزنان از خود گذشته در«شورای سلامت»، «مرکزتوسعه سلامت» و «بیمارستان کیش» را باترویج وفرهنگ‌سازی برای رعایت رفتارهایی که حافظ این دستاورد است ارج نهیم. قطعا فریاد پایان کرونا در کیش نمی‌تواند حافظ این دستاورد باشد.

مرکز آمار ایران برای فروردین ماه اعلام کرد کدام دهک بیشترین تورم را دارد

فاصله تورمی دهک‌ها در فروردین ماه به ۳.۴ درصد رسید که نسبت به ۲.۷ درصد ماه قبل ۷ دهم واحد درصد افزایش داشته است. براساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم کل کشور درفروردین ماه ۱۳۹۹ برابر ۳۲.۲ درصد است که در دهک‌های مختلف هزینه‌ای در بازه ۳۰.۸ درصد برای دهک اول تا ۳۴.۲ درصد برای دهک دهم نوسان دارد. محدوده تغییرات تورم دوازده ماهه در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و خانبات» بین ۳۴ درصد برای دهک اول تا ۳۸ درصد برای دهک دهم است. همچنین اطلاع مذکور در مورد گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» بین ۲۷.۷ درصد برای دهک اول تا ۳۳.۲ درصد برای دهک دهم است.

بر اساس اعداد مربوط به تورم در میان دهک‌های



مختلف هزینه‌ای، فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۳.۴ درصد رسید که نسبت به ماه قبل (۲.۷ درصد) ۰.۷ واحد درصد افزایش داشته است. فاصله تورمی در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و خانبات» (نسبت به ماه قبل ۰.۷ واحد درصد و در گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» نسبت به ماه قبل ۰.۶ واحد درصد کاهش نشان می‌دهد. طبق این گزارش درحالی که نرخ تورم کل برای گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها ۳۶.۵ درصد بوده است، این نرخ برای دهک اول یعنی فقیرترین ۳۴ درصد بوده که با افزایش تدریجی تا ۳۸ درصد برای دهک دهم یعنی ثروتمندترین افزایش یافته است. بنابراین بالاترین نرخ تورم با ۳۸ درصد برای دهک دهم وکمترین آن برای دهک اول بوده است. درنرخ تورم کل براساس دهک‌ها نیزتنها چهار دهک یعنی «کالاهای غیر تادهم بیش از نرخ تورم کل بوده‌اند. در فروردین ماه تورم کل ۳۲.۲ درصد بوده که این نرخ برای دهک هفتم ۳۲.۳ درصد، دهک هشتم ۳۲.۵ درصد، دهک نهم ۳۳.۱ درصد و برای دهک دهم ۳۴.۲ درصد بوده است. دراین ماه نرخ تورم کل برای دهک اول ۳۰.۸ درصد بوده است. با این حال نگاهی به میزان افزایش نرخ تورم ماهانه نشان می‌دهد که دهک اول با ۲.۷ درصد بالاترین فشار را تحمل کرده است این درحالی است که این میزان رشد برای دهک دهم تنها ۱.۷ درصد بوده است.

یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۹
سال بیست و ششم
شماره ۷۳۳۱

گفت‌وگوی «ایران» با جعفر خیرخواهان، اقتصاددان ومترجم کتاب «راه باریک آزادی»

در میانه «لویاتان» قوی و کاغذی

سپیده پیری خبرنگار

«راه یا دالان باریک آزادی» عنوان کتابی از دنویسنده مطرح جهانی «داروین عجم اوغلو» و «جیمزرابینسون» است. چهره‌هایی نام آشنا برای جامعه ایرانی که پیشتر با کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» ذهن جاست‌وجوگر خوانندگان ایرانی را درپاسخ به‌علت واپس‌گرایی کشور برخلاف تلاش‌های بسیار را به پاسخ‌هایی رهنمون کردند. حالا در تازه‌ترین اثرشان که در ایران به اهتمام جعفر خیرخواهان و سید علیرضا بهشتی شیرازی ترجمه شده است به مطالعه شواهد تاریخی در بخش بزرگی از جهان توسعه‌یافته و در حال توسعه پرداخته‌اند و نشان می‌دهند چگونه برخی کشورها به دالان باریک آزادی وارد شده، برخی پس از ورود از آن خارج شدند و برخی هنوز راه به این دالان نبرده‌اند. آنها وجود دولت با ثبات قدرتمند در کنار جامعه‌ای جسور ومطالبه‌گر را لازمه تحقق توسعه و آزادی می‌دانند. مطالعه این کتاب که برای علاقه‌مندان به اقتصاد توسعه و اقتصاد سیاسی خالی از لطف نخواهد بود ما را بر آن داشت تا با جعفر خیرخواهان اقتصاددان و استاد دانشگاه فردوسی مشهد و یکی از مترجمان این کتاب به گفت‌وگو بنشینیم. خیرخواهان ضمن تشریح آرا ونظریات نویسندگان از جایگاه ایران در دالان آزادی ونسنگ‌ها کتاب برای جامعه ایرانی در مواجهه با مفاهیمی چون توسعه و آزادی گفت.

■ تجربه زندگی در یک کشور در حال توسعه چه انگیزه‌ای در شما ایجاد کرد که کتابی با مفاهیم آزادی، دموکراسی و توسعه را ترجمه کنید؟

■ آبی‌می‌توان گفت که جامعه ایران وارد دالان باریک آزادی شده است؟
کاری که من کردم کتاب را مشترکا با یکی از دوستان ترجمه کردیم در نتیجه پاسخ دقیق به پرسش را باید پژوهشگران بدهند که ما در چه موقعیت مکانی نسبت به دالان آزادی قرار داریم و کجا هستیم. اما لازمه قوی شدن جامعه و ورود به دالان، افزایش درک و فهم و بلوغ فکری جامعه است که چگونه خواسته‌های خود را به شکل قوانین مناسب در مجلس به تصویب برساند و کاری کند که این قوانین قطعا اجرا شود و حکومت مجبور شود به اینها تن دهد. تا این اتفاق‌ها نیفتد رنگ و بوی توسعه را نخواهیم دید. این بار سخت و باتوانی است که باید در آن حرکت کرد تا چند نسل بعد به نتیجه برسد. اگرچه از انقلاب مشروطه ونخستین حرکت‌های آزادیخواهی جامعه ایران بیش از صد سال می‌گذرد شاهدیم کره‌جنوبی که تا ۵۰ و ۶۰ سال گذشته شبیه ایران بود بسرعت به آزادی وتوسعه رسید. اما وقتی به تاریخ کره نگاه می‌کنیم می‌بینیم آنها نیز چند صد سال است مبارزه کردند و نظام اداری و توزیع عادلانه امکانات به نفع جامعه به‌وجود آمد و طبقات و اقشار مختلف جامعه بتدریج قدرتمند شدند. یعنی ریشه‌های رشد سریع در مثلا کشور کره هم به بیش از صد سال پیش برمی‌گردد. آنها در چند دهه گذشته فرصت یافتند از شکاف بین امریکا وشوروی و جنگ سرد به نفع توسعه کشور خودش استفاده کند ونظام بین‌المللی وامکانات را به‌کار بگیرد و جزو کشورهای پیشرفته بشود. در رابطه با ایران باید مجاهدت‌های صد سال گذشته تحلیل وآسیب‌شناسی شود ومثال‌ها ونمونه‌های کتاب راهنمایی می‌کند چگونه عمل کنیم. آنگاه خیلی چند دهه آینده با اطمینان به‌سمت داخل دالان حرکت کنیم وحکومت و جامعه در این راه باریک به شکل مناسب دوشادوش هم حرکت کنند و بار سنگین توسعه را بر دوش بگیرند و به منزل برسانند. مناسب حکومتی وقدرت سیاسی داشتن مانند کوهی است که جامعه در دامنه کوه قرار گرفته است وتعدادی را به بالای قله می‌فرستد. اما بالای قله رفتن رفتار افراد را عوض می‌کند وحاضر نیستند پست ومقام را تحویل بدهند و از آن بالا شروع به سنگ اندازی می‌کنند. در اینجا باید جامعه هوشمند باشد که وقتی برخی را به بالای هرم قدرت می‌فرستد ابرازهایی هم داشته باشد که بتوان بدون دردسر وایجاد هزینه آن افراد را پایین کشید وفرد بهتری جایگزین کرد ومحیط رقابت ونوآوری ایجاد شود که یکجانشینی وآسوده خیالی برای گروهی نباشد به قیمتی که بقیه جامعه از انواع امکانات محروم شوند. این جرخش قدرت باید وجود داشته باشد.

کشور ایران با اینکه از پیشینه تاریخی طولانی وفرهنگ غنی ایرانی-اسلامی برخوردار است اما درباره شخص من از همان زمان که چشم‌کم‌بازم کردم شکاف وفاصله اقتصادی زیاد خودمان با کشورهای پیشرفته شدم ونیز کشورهایی که وضع‌شان تا چند دهه گذشته مانند ما یا بدتر بوده است اما نتوانستند جلو بزنند. اینها پرسش‌ها وسپس احساس رنج‌هایی در من ایجاد کرد که به‌دنبال پاسخشم بودم. اینکه کشورهای شتابان رویه جلو پیش می‌روند اما ما عمدتا در چرخه باطل کمرشدی گرفتار شدیم معمما وموضوع مهم قابل تأملی برایم بود. این البته می‌تواند پرسش اصلی هر ایرانی وطن‌دوستی هم باشد که چرا تاکنون نتوانسته‌ایم عملکرد مناسب قابل قبولی داشته باشیم. خوشبختانه در چند دهه گذشته اندیشمندان گوناگون سعی کرده‌اند به این پرسش پاسخ دهند که چرا بیشتر کشورها از رشد وحرت محسوس روبه جلو، بازماندند و ریشه‌ها و علل آن را پیدا کنند. ازجمله اینها «عجم اوغلو» و «رابینسون» هستند که حدود ۲۵ سال است با هم کار کردند و با اتکا به دانش وتخصص گسترده اقتصادی، سیاسی وتاریخی که داشتند، کتاب‌های خوبی نوشته‌اند. کتاب «راه باریک آزادی» تکمیل‌کننده کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» است. آنها با سفر به اعماق تاریخ، توصیفات خود را از چهار هزار سال پیش شروع کردند و به کشورهای

متنوعی در چهار قاره دنیا پرداختند. از خاورمیانه وحماسه گیلگمش شروع کردند وسپس به دولت-شهرهای یونان وامپراطوری روم در زمان‌های جدیدتر امپراطوری‌های چین وهندو کشور عربستان و اوضاع فعلی سوریه وامریکا لاتین می‌پردازند. نکته مهم آنها لازمه پیشرفت بشر را وجود آزادی واختیار وحق انتخاب می‌دانند وحفظ آزادی منوط به نزدیکی وهمکاری خوب بین دولت وجامعه است. مزیت کتاب راه باریک آزادی به زبان ساده وپركشش نوشتن آن است که همه می‌توانند مطالب آن را درک کنند وبه جمع‌بندی برسند که کجا هستیم و چگونه باید حرکت کرد (هم حاکمان وهم جامعه ومردم عادی) تا در راه باریک آزادی قرار بگیریم. برای فهم بهتر موضوع باید کتاب خوانده شود هرچند که جمش زیاد وحود ۶۰۰ صفحه است. یک کار خوب نویسندگان این است که کل کتاب را در یک شکل خلاصه کرده‌اند. نمودار دوبعدی که روی محور عمودی آن قدرت دولت وروی محور افقی قدرت جامعه را داریم. بر اساس این نمودار کشورهای موفق هستند که در مسیر وسط همزمان دولت وجامعه با هم قوی شوند. درغیراین صورت خارج از دالان و راه باریک آزادی قرار می‌گیرند که ممکن است دولت قوی شود وجامعه ضعیف شود یا بالعکس اتفاق می‌افتد که توازن برقرار نیست. اگر کشورها از دالان خارج شوند دوحالت رخ می‌دهد، یا دولت قوی وجامعه ضعیف می‌شود که به آن «لویاتان مستبد» می‌گویند یا اینکه جامعه قوی اما حکومت ضعیف که «لویاتان غایب» دامگذاری می‌کنند.

■ آبی‌می‌توان گفت که جامعه ایران وارد دالان باریک آزادی شده است؟

کاری که من کردم کتاب را مشترکا با یکی از دوستان ترجمه کردیم در نتیجه پاسخ دقیق به پرسش را باید پژوهشگران بدهند که ما در چه موقعیت مکانی نسبت به دالان آزادی قرار داریم و کجا هستیم. اما لازمه قوی شدن جامعه و ورود به دالان، افزایش درک و فهم و بلوغ فکری جامعه است که چگونه خواسته‌های خود را به شکل قوانین مناسب در مجلس به تصویب برساند و کاری کند که این قوانین قطعا اجرا شود و حکومت مجبور شود به اینها تن دهد. تا این اتفاق‌ها نیفتد رنگ و بوی توسعه را نخواهیم دید. این بار سخت و باتوانی است که باید در آن حرکت کرد تا چند نسل بعد به نتیجه برسد. اگرچه از انقلاب مشروطه ونخستین حرکت‌های آزادیخواهی جامعه ایران بیش از صد سال می‌گذرد شاهدیم کره‌جنوبی که تا ۵۰ و ۶۰ سال گذشته شبیه ایران بود بسرعت به آزادی وتوسعه رسید. اما وقتی به تاریخ کره نگاه می‌کنیم می‌بینیم آنها نیز چند صد سال است مبارزه کردند و نظام اداری و توزیع عادلانه امکانات به نفع جامعه به‌وجود آمد و طبقات و اقشار مختلف جامعه بتدریج قدرتمند شدند. یعنی ریشه‌های رشد سریع در مثلا کشور کره هم به بیش از صد سال پیش برمی‌گردد. آنها در چند دهه گذشته فرصت یافتند از شکاف بین امریکا وشوروی و جنگ سرد به نفع توسعه کشور خودش استفاده کند ونظام بین‌المللی وامکانات را به‌کار بگیرد و جزو کشورهای پیشرفته بشود. در رابطه با ایران باید مجاهدت‌های صد سال گذشته تحلیل وآسیب‌شناسی شود ومثال‌ها ونمونه‌های کتاب راهنمایی می‌کند چگونه عمل کنیم. آنگاه خیلی چند دهه آینده با اطمینان به‌سمت داخل دالان حرکت کنیم وحکومت و جامعه در این راه باریک به شکل مناسب دوشادوش هم حرکت کنند و بار سنگین توسعه را بر دوش بگیرند و به منزل برسانند. مناسب حکومتی وقدرت سیاسی داشتن مانند کوهی است که جامعه در دامنه کوه قرار گرفته است وتعدادی را به بالای قله می‌فرستد. اما بالای قله رفتن رفتار افراد را عوض می‌کند وحاضر نیستند پست ومقام را تحویل بدهند و از آن بالا شروع به سنگ اندازی می‌کنند. در اینجا باید جامعه هوشمند باشد که وقتی برخی را به بالای هرم قدرت می‌فرستد ابرازهایی هم داشته باشد که بتوان بدون دردسر وایجاد هزینه آن افراد را پایین کشید وفرد بهتری جایگزین کرد ومحیط رقابت ونوآوری ایجاد شود که یکجانشینی وآسوده خیالی برای گروهی نباشد به قیمتی که بقیه جامعه از انواع امکانات محروم شوند. این جرخش قدرت باید وجود داشته باشد.

■ کتاب چه پیشنهادی برای جامعه دارد؟ آیا جامعه باید منتظر باشد که آزادی را حاکمیت به آن هدیه کند یا خود می‌تواند کنشگری کند؟

همانطور که اشاره شد جامعه باید مراقب حکومت باشد و رفتارش را زیر نظر داشته باشد اما مراقبت حکومت از جامعه کار خوبی نیست. اگر بخواهیم به حکومت بهانه بدهیم که در امور شخصی‌ه جامعه دخالت کند به هر طریق آزادی‌های جامعه را می‌گیرد وجسارت ونواوری و ابتکاری که در جامعه اتفاق می‌افتد از بین می‌رود. حکومت باید دامنکار با وجود اینکه کشور کوچکی است در ردفک کشورها پیشرفته وبسیار ثروتمند است وشرکت‌های بین‌المللی انجام دهد. یعنی نوعی قید وبند ونزحیر سیاسی وتاریخی که داشته‌اند، کتاب‌های گرفته است وباید جامعه قوی بالای سر حکومت باشد که هر وقت خواست از کارهای خوب وعده داده شده تخطی کرده وشانه خالی کند جامعه بتواند حکومت را مهار وسربره کند.

www.iran-newspaper.com
editorial@iran-newspaper.com



■ این کتاب چه نسخه‌ای برای رشد مفاهیمی مثل آزادی وتوسعه در جامعه ایرانی دارد؟

این کتاب به این شکل که گام به گام و الگوریتمی توصیه‌هایی ارائه دهد نیست. برای جامعه ما باید مردم از خوش‌بینی صرف نسبت به حکومت و رفتار حاکمان دست بردارند و هر حرکتی که حکومت می‌خواهد بکند در چارچوب حقوقی نگاه می‌دارد. باید حکومت سعی کند در این قفس‌ها را باز کند ومیله‌های قفس را بشکند ومردم احساس کنند برخی هنجارهای قدیمی که مناسب نیستند کنار رفته وحشم‌ها را بازنر کنند واینگونه با افق چند دهه‌ای به مسیر خود ادامه دهند. باید ببینیم که ۱۰۰سال گذشته کجاها بوده‌ایم و کجاها می‌توانستیم باشیم که به دالان نزدیکتر شویم. اینها به ما قدرت محاسبه‌گری می‌دهد که در آینده بتوانیم بیشتر حواسمان جمع شود واینکه چگونه عمل کنیم تا در دالان آزادی وبیشرفت قرار بگیریم.

■ اگر در همین جایی که ایستاده‌ایم وبا همین روند ادامه دهیم شمایه عنوان کسی که این کتاب را ترجمه کرده‌اید راجع به آینده آزادی در جامعه ایران ومسیری که می‌خواهد طی شود کدام نقطه از مسیر را تصویری کنید؟
خوشبختانه ایران نقاط قوت ومزایای زیادی دارد. ایران دارای یک تمدن کهن وقوی است یعنی پشتوانه از گذشته که از آن درست استفاده نکردیم ونیز ۱۰۰ سال مبارزه مردم از دوران مشروطه وتامام شکست‌ها و پیروزی‌هایی که داشتیم می‌تواند به ما در آینده کمک کند واین ارزشمند است ونباید نادیده گرفت و نکته دیگر سطح سواد و آگاهی جامعه در چند دهه اخیر وبخصوص در میان خائنها ونیروهای تحصیلکرده که خیلی افزایش یافته است ومی‌تواند نیروهای خوبی برای تغییر وتحول باشد. همچنین کنجکاری که در جامعه وجود دارد ودنبال یادگیری هستیم وامکان ارتباطات وتبادل اطلاعات که به لطف شبکه‌های اجتماعی با داخل وخارج فراهم شده است که امیدواریم چیزهای مثبت ومفیدی ردوبدل دهد وبه جامعه وکشورمان کمک کند ودرزاین اصلاحات عصر میچی اتفاق افتاد ما در ایران امیرکبیر را داشتیم وبعد انقلاب مشروطه وملی شدن صنعت نفت از ایران اتفاق افتاد و در خاورمیانه اولین کشوروبه نوعی پرچمدار حرکات اصلاحی بودیم. امیدواریم فرصت‌ها و پنجره‌های مناسب برای اصلاحات در وقت نمی‌گذراند و دوم اینکه انتظار اصلاح وتغییر مثبت را از یک فرد و شخص خاص نمی‌توان داشت چون هم آن مسئول ممکن است عوض شود یا حتی نظرش تغییر کند. کتاب «معماي فراوانی» نشان می‌داد چگونه کشورها پول نفت را هدر می‌دهند منظومر به همان بیماری هلندی است. انتشار کتاب با در قدرت رسیدن احمدی‌نژاد و چندبرابر شدن قیمت نفت مصادف شد. هنگام ترجمه با خودم گفتم احمدی‌نژاد ونزدیکانش این کتاب را می‌خوانند و درس می‌گیرند ومسیرو تجربه اشتباه پیشین را تکرار نمی‌کنند. اما در عمل فهمیدم ودیدیم صاحبان قدرت نیم‌نگاهی به این کتاب‌ها نمی‌کنند. حتی رئیس سازمان مدیریت وبرنامه‌ریزی وقت پیش از انحلال آن به‌دست احمدی‌نژاد تا آنجا پیش رفت که گفت اگر ما پول نفت را خرج نکنیم در آینده به جای بیماری هلندی در دنیا به بیماری ایرانی شناخته می‌شویم. در رابطه با این کتاب هم همین‌طور است که انتظار اصلی را جامعه واصطلاحا بی‌قدرتان است که با دقت واسر تأمل اینگونه کتاب‌ها را بخوانند وخصوصا یاد بگیرند چک سفید امضا به حکومت ندهند وقدرت مفید ومشروط وپاسخگو به جامعه داده شود.

بیفتد و اوضاع حتی بدتر شود. حکومت وصاحبان قدرت باید به این دوراندیشی برسند که سلب آزادی‌ها و پرهزینه بودن نقد قدرت کاسه صبر جامعه را لبریز کرده وبه انفجار می‌انجامد. برخی سنت‌ها و رسوم که اشتباه هستند و کتاب قفس هنجارها می‌انجامد در آنها بازنگری شود. برخی هنجارها وجود دارند که جامعه را در یک قفس تنگ وقشرده نگاه می‌دارد. باید حکومت سعی کند در این قفس‌ها را باز کند ومیله‌های قفس را بشکند ومردم احساس کنند برخی هنجارهای قدیمی که مناسب نیستند کنار رفته وحشم‌ها را بازنر کنند واینگونه با افق چند دهه‌ای به مسیر خود ادامه دهند. باید ببینیم که ۱۰۰سال گذشته کجاها بوده‌ایم و کجاها می‌توانستیم باشیم که به دالان نزدیکتر شویم. اینها به ما قدرت محاسبه‌گری می‌دهد که در آینده بتوانیم بیشتر حواسمان جمع شود واینکه چگونه عمل کنیم تا در دالان آزادی وبیشرفت قرار بگیریم.

■ اگر در همین جایی که ایستاده‌ایم وبا همین روند ادامه دهیم شمایه عنوان کسی که این کتاب را ترجمه کرده‌اید راجع به آینده آزادی در جامعه ایران ومسیری که می‌خواهد طی شود کدام نقطه از مسیر را تصویری کنید؟

خوشبختانه ایران نقاط قوت ومزایای زیادی دارد. ایران دارای یک تمدن کهن وقوی است یعنی پشتوانه از گذشته که از آن درست استفاده نکردیم ونیز ۱۰۰ سال مبارزه مردم از دوران مشروطه وتامام شکست‌ها و پیروزی‌هایی که داشتیم می‌تواند به ما در آینده کمک کند واین ارزشمند است ونباید نادیده گرفت و نکته دیگر سطح سواد و آگاهی جامعه در چند دهه اخیر وبخصوص در میان خائنها ونیروهای تحصیلکرده که خیلی افزایش یافته است ومی‌تواند نیروهای خوبی برای تغییر وتحول باشد. همچنین کنجکاری که در جامعه وجود دارد ودنبال یادگیری هستیم وامکان ارتباطات وتبادل اطلاعات که به لطف شبکه‌های اجتماعی با داخل وخارج فراهم شده است که امیدواریم چیزهای مثبت ومفیدی ردوبدل دهد وبه جامعه وکشورمان کمک کند ودرزاین اصلاحات عصر میچی اتفاق افتاد ما در ایران امیرکبیر را داشتیم وبعد انقلاب مشروطه وملی شدن صنعت نفت از ایران اتفاق افتاد و در خاورمیانه اولین کشوروبه نوعی پرچمدار حرکات اصلاحی بودیم. امیدواریم فرصت‌ها و پنجره‌های مناسب برای اصلاحات در وقت نمی‌گذراند و دوم اینکه انتظار اصلاح وتغییر مثبت را از یک فرد و شخص خاص نمی‌توان داشت چون هم آن مسئول ممکن است عوض شود یا حتی نظرش تغییر کند. کتاب «معماي فراوانی» نشان می‌داد چگونه کشورها پول نفت را هدر می‌دهند منظومر به همان بیماری هلندی است. انتشار کتاب با در قدرت رسیدن احمدی‌نژاد و چندبرابر شدن قیمت نفت مصادف شد. هنگام ترجمه با خودم گفتم احمدی‌نژاد ونزدیکانش این کتاب را می‌خوانند و درس می‌گیرند ومسیرو تجربه اشتباه پیشین را تکرار نمی‌کنند. اما در عمل فهمیدم ودیدیم صاحبان قدرت نیم‌نگاهی به این کتاب‌ها نمی‌کنند. حتی رئیس سازمان مدیریت وبرنامه‌ریزی وقت پیش از انحلال آن به‌دست احمدی‌نژاد تا آنجا پیش رفت که گفت اگر ما پول نفت را خرج نکنیم در آینده به جای بیماری هلندی در دنیا به بیماری ایرانی شناخته می‌شویم. در رابطه با این کتاب هم همین‌طور است که انتظار اصلی را جامعه واصطلاحا بی‌قدرتان است که با دقت واسر تأمل اینگونه کتاب‌ها را بخوانند وخصوصا یاد بگیرند چک سفید امضا به حکومت ندهند وقدرت مفید ومشروط وپاسخگو به جامعه داده شود.

آن نقطه رفته‌ایم که شباهت‌هایی به مثال کتاب یعنی چین پیدا می‌کند. برخی کشورها از سمت پایین یعنی محور افقی به سمت دالان می‌روند وبرخی مثل ایران از قسمت محور عمودی به طرف دالان حرکت می‌کنند. شاید کاهش قیمت نفت که تاکنون ابزاری در دست حکومت بوده است تا هر کاری دوست داشته باشند انجام دهد وبه جامعه نیاز نداشته باشد باعث حرکت ما به سمت دالان شود. یعنی حکومت مجبور می‌شود دست نیاز به سوی جامعه دراز کند ودر این مجبور می‌شود اجازه دهد جامعه قوی شود وباید خدمات متقابلیه جامعه بدهد. امیدواریم این شرایط ما را به سمت دالان راهنمایی کند وعدم توازن دولت وحکومت با جامعه که به نفع حکومت است به سمت قوی شدن هر دوبرود. شروع کتاب با تجربه سوریه است. سوریه دوران حافظ اسد وبشار اسد که سیاست‌هایشان به نفع گروه‌های خاص بود واکثريت جامعه و مردم خوار بود. اینها باعث اعتراض و شورش شد که به جنگ داخلی انجامید وبه هرج ومرج تبدیل شد. کشور سوریه چند پاره شد وبزرگترین مهاجرت‌های جهان دارد یعنی حکومتی است که به نقطه این خطر هست که حکومت اگر به خواسته‌های مردم توجه نکند وتحمل جامعه کم شود و هیچ کدام حرف‌های ناموجه نشوند جامعه را یک درجه به عقب براند وشوئنت واجنگ اتفاق



■ ■ لازمه قوی شدن جامعه ورود به دالان، افزایش درک و فهم و بلوغ فکری جامعه است که چگونه خواسته‌های خود را به شکل قوانین مناسب در مجلس به تصویب برساند و کاری کند که این قوانین قطعا اجرا شود وحکومت مجبور شود به اینها تن دهد

آن نقطه رفته‌ایم که شباهت‌هایی به مثال کتاب یعنی چین پیدا می‌کند. برخی کشورها از سمت پایین یعنی محور افقی به سمت دالان می‌روند وبرخی مثل ایران از قسمت محور عمودی به طرف دالان حرکت می‌کنند. شاید کاهش قیمت نفت که تاکنون ابزاری در دست حکومت بوده است تا هر کاری دوست داشته باشند انجام دهد وبه جامعه نیاز نداشته باشد باعث حرکت ما به سمت دالان شود. یعنی حکومت مجبور می‌شود دست نیاز به سوی جامعه دراز کند ودر این مجبور می‌شود اجازه دهد جامعه قوی شود وباید خدمات متقابلیه جامعه بدهد. امیدواریم این شرایط ما را به سمت دالان راهنمایی کند وعدم توازن دولت وحکومت با جامعه که به نفع حکومت است به سمت قوی شدن هر دوبرود. شروع کتاب با تجربه سوریه است. سوریه دوران حافظ اسد وبشار اسد که سیاست‌هایشان به نفع گروه‌های خاص بود واکثريت جامعه و مردم خوار بود. اینها باعث اعتراض و شورش شد که به جنگ داخلی انجامید وبه هرج ومرج تبدیل شد. کشور سوریه چند پاره شد وبزرگترین مهاجرت‌های جهان دارد یعنی حکومتی است که به نقطه این خطر هست که حکومت اگر به خواسته‌های مردم توجه نکند وتحمل جامعه کم شود و هیچ کدام حرف‌های ناموجه نشوند جامعه را یک درجه به عقب براند وشوئنت واجنگ اتفاق